اخبار

گرانی ارز و معادله عجیب مقصران

منتقدان دولت و دلار گران؛ چرا تیغ حملات به بانک مرکزی نمی‌رسد؟

نرخ تبدیل دلار به ریال ایران همچنان روند فزاینده دارد. این رخداد به سرسام ارزی منجر شده و دردسرهایش ادامه دارد. بزرگترین دردسری که دلار گران برای شهروندان ایرانی پدیدار کرد.

به گزارش اقتصاد۲۴، نهادهای حکومتی این دردسر و آتش زیر خاکستر را می‌بینند و در چارچوبی که برای دولت آماده کرده‌اند، راهی برای فرار از این تله نمی‌یابند. این روزها، اما رسانه‌های حکومتی و هوادار نهادهای خاص کوشش می‌کنند با دادن آدرس‌های نادرست، دلیل اصلی سرسام ارزی را بپوشانند و نیز کوشش دارند تک‌مهره مهم خود در دولت چهاردهم یعنی محمدرضا فرزین را در منصب خویش نگهدارند. چرا دلار روندی فزاینده را تجربه کرد؟ حقیقت این است که بانک مرکزی دلار کافی برای تخصیص و عرضه ارز در اختیار ندارد و یا اینکه به‌هردلیل، دلارهای خزانه خود را برای هزینه‌های ضروری‌تر نگه می‌دارد. چرا بانک مرکزی دلار کافی ندارد؟ محمدباقر قالیباف همین چند روز پیش گفت بیست و چند درصد از پیش‌بینی‌های بودجه برای صادرات نفت به دست نیامده است. این فاش‌گویی بالاترین مقام قانونگذاری و یکی از سه مرد قدرتمند حکومت، بعدها از سوی واردکنندگان نهاده‌های دامی تایید شد و آنها با صراحت گفتند با اینکه چند ماه از پرداخت ریال به شرکت نیکو می‌گذرد و این شرکت باید به دستور بانک مرکزی دلارها را تخصیص دهد؛ اما از این کار امتناع می‌کند. از سوی دیگر، خبرهایی می‌رسد که خرید نفت ایران از سوی شرکت‌های چینی محدودتر شده و نیز پرداخت دلارهای نفتی از سوی چین شتاب ندارد. سرانجام اینکه در چند روز تازه سپری‌شده بنیامین نتانیاهو نیز بار دیگر جنگ روانی با جمهوری اسلامی را تشدید کرده و گفته می‌شود که قصد جنگ‌افروزی دوباره دارد. مجموعه عوامل یادشده راه دلار را برای یکه‌تازی در بازار ارز باز کرده است و تا زمانی که این دلایل پابرجا هستند، انتظار تثبیت قیمت دلار بیهوده است. درباره فرآیند یادشده می‌توان گمانه‌زنی‌های تازه داشت. به‌طور مثال، این گمان البته بدبینانه وجود دارد که بانک مرکزی نیک می‌داند ندادن دلار برای واردات نهاده‌های دامی یعنی افزایش قیمت فرآورده‌های لبنی و گوشت و مرغ و تخم‌مرغ. آیا این اتفاق افتاده است؟ البته بسیار بدبینانه است؛ اما نمی‌توان احتمال آن را صفر دانست. از سوی دیگر، برخی تحلیلگران باور دارند احتمال نگهداری ارزهای موجود برای هزینه‌های ضروری‌تر مثل هزینه‌های دفاع و امنیت در آهسته شدن تخصیص ارز را نباید نادیده گرفت. انداختن توپ سرسام ارزی به دوش همه کابینه جز ریاست بانک مرکزی و نیز تمرکز بر روی فرار ارزهای صادراتی راه‌های مقابله با دلایل اصلی سرسام ارزی است که کلید آن روشن شده و از هر سو، بر شدت آن افزوده می‌شود. اگر دولت پزشکیان نتواند در این داستان حقیقت را به مردم بگوید، جنگ سیاسی در قالب جنگ ارزی را به اصولگرایان باخته است.

توان سیاسی یا ظرفیت اقتصادی مناسبی برای انجام اصلاحات اساسی وجود ندارد

اقتصاد در لبه پرتگاه

درخصوص کسری بودجه، مولوی هشدار داد که با ادامه این وضعیت، کسری بودجه می‌تواند تا اسفند سال آینده به ۶۰ درصد افزایش یابد. او معتقد است دولت دیگر ابزار لازم برای کنترل این مشکل را ندارد؛ نه قدرت اجتماعی کافی وجود دارد، نه توان سیاسی

اتحادملت - گروه اقتصاد؛ پیمان مولوی، کارشناس اقتصادی، هشدار داده که اقتصاد ایران در مسیری قرار گرفته که ممکن است تا پایان سال آینده، نرخ تورم سالانه به ۵۰ درصد برسد. وی در گفت‌وگو با خبرآنلاین، از «حکمرانی ذینفعانه» و نبود آزادی اقتصادی به‌عنوان عوامل اصلی این وضعیت نام برده است.

درحالی‌که تنها چند هفته به ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۵ به مجلس شورای اسلامی باقی مانده، ترکیب منابع درآمدی دولت، به‌ویژه تمرکز بیشتر بر مالیات، به یکی از موضوعات داغ در میان کارشناسان تبدیل شده است. در همین حال، رکود اقتصادی، کاهش شدید قدرت خرید مردم و تداوم نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی، تردیدهای جدی درباره کارآمدی سیاست‌های بودجه‌ای دولت و توان آن برای کنترل تورم ایجاد کرده است. محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و کاهش فروش نفت نیز فشار مضاعفی بر تصمیم‌گیری‌های بودجه‌ای وارد کرده و مسیر را پیچیده‌تر ساخته است.

در چنین وضعیتی، توجه‌ها بیش از پیش به محتوای لایحه بودجه معطوف شده؛ اسنادی که قرار است چشم‌انداز اقتصادی کشور در سال آینده را مشخص کند و رویکردهای کلان مالی و سیاستی دولت را آشکار سازد.

پیمان مولوی در ادامه اظهارات خود درباره تدوین بودجه سال ۱۴۰۵ تأکید کرد که ساختار بودجه، سیاست‌های مالیاتی، وابستگی دولت به درآمدهای غیرپایدار و روند کلی اقتصاد کشور نیازمند بازنگری جدی است. او هشدار داد که جهت‌گیری فعلی اقتصاد نگران‌کننده بوده و پیامدهای وخیمی برای مردم دارد.

وی با اشاره به سخنان اخیر رئیس سازمان امور مالیاتی که از پیشی گرفتن درآمدهای مالیاتی نسبت به نفت خبر داده بود، گفت: گرچه این موضوع با افتخار مطرح می‌شود و مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد، اما باید پرسید آیا اخذ مالیات در شرایط رکود شدید اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم جای افتخار دارد یا نشانه بحران؟

مولوی افزود: در وضعیتی که بخش بزرگی از جامعه نمی‌تواند حتی نیازهای اولیه خود را برآورده کند، تحمیل مالیات بر همه اقشار جامعه نه‌تنها راهگشا نیست بلکه نشانه‌ای از عمق بن‌بست موجود است. با تحریم‌هایی که فروش نفت را محدود کرده و صادرات نفت را به یک‌چهارم ظرفیت کاهش داده، انتقال فشار بر دوش مردم از طریق مالیات سنگین نمی‌تواند راه‌حلی عملی باشد.

این کارشناس اقتصادی با مقایسه ایران با کشورهایی مانند عربستان، امارات و نروژ بیان کرد که درآمدهای نفتی در این کشورها به شکل پایدار مدیریت می‌شود. اما در ایران، چالش‌های ساختاری باعث شده تا نفت نیز به منبع درآمدی ناپایدار تبدیل شود. او تأکید کرد که ایران در چرخه‌ای گرفتار شده که مدام بحث‌هایی درباره کسری بودجه و تحلیل اعداد انجام می‌شود، درحالی‌که مسئله اصلی جهت‌گیری اقتصاد ملی است؛ مسیری که به نظر می‌رسد هر روز کشور را بیشتر به سوی فقر و کاهش رفاه سوق می‌دهد.

مولوی اشاره کرد که اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که تصمیم‌گیری‌ها به‌وضوح تحت تأثیر منافع ذی‌نفعان است. در چنین سیستمی، امکان جبران کسری بودجه تقریباً ناممکن است، حتی اگر مدیری با بهترین تخصص اقتصادی مسئولیت را بر عهده بگیرد. مشکل اساسی این است که اقتصاد ایران گرفتار نگاه ذی‌نفعانه شده و منافع گروه‌های خاص بر منافع عمومی غلبه کرده است. نگاهی به رتبه پایین ایران در شاخص آزادی اقتصادی که سال‌ها بین ۱۵۸ تا ۱۶۵ در نوسان است، گویای همین مسئله است؛ تغییری معنادار نسبت به سال‌های گذشته نیز پیش‌بینی نمی‌شود.

وی افزود که توان اجرایی دولت در ایران به‌شدت کاهش یافته و به سمت یک دولت حداقلی و فاقد اقتدار اجرایی حرکت می‌کنیم که در کنار آن، اقتصادی بسیار متأثر از قدرت ذی‌نفعان شکل گرفته است. با این اوصاف، نباید انتظار داشت بودجه امسال یا سال‌های آینده تفاوت قابل توجهی با گذشته داشته باشد.

این کارشناس اقتصادی همچنین درباره نقش بودجه در کنترل تورم تصریح کرد که اقدامات کوتاه‌مدتی قابل اجرا هستند، اما گام نخست باید حذف فوری هزینه‌ها و ردیف‌های زائد بودجه‌ای باشد که هیچ ارتباطی با تولید ناخالص داخلی یا رشد اقتصادی ندارند. به گفته او، تأمین مالی اندیشکده‌ها، بنیادها و مراکزی که نقش موثری در اقتصاد ندارند، ارتباطی به زندگی مردم نخواهد داشت. اگر این نهادها توان درآمدزایی دارند، باید خودشان فعالیت اقتصادی داشته باشند و از منابع عمومی تغذیه نشوند.

مولوی با انتقاد از شرایط فعلی تأکید کرد که بودجه عمومی باید صرف تأمین خدمات ابتدایی نظیر آموزش‌وپرورش، تغذیه دانش‌آموزان و رفع سوءتغذیه شود، نه هزینه‌های غیرمولد. او ادامه داد که اقتصاد ایران در مرحله‌ای قرار گرفته که فشارهای ناشی از تورم بالا همچنان ادامه خواهد یافت و بودجه ۱۴۰۵ نیز تفاوتی در کاهش این فشارها ایجاد نخواهد کرد.

در رابطه با ایده «جراحی اقتصادی»، مولوی باور دارد که بیش از ۱۵ سال است چنین مفاهیمی مطرح شده‌اند اما اجرایی نشده‌اند. او افزود اگر هدف از این جراحی تنها افزایش قیمت حامل‌های انرژی باشد، این یک اشتباه راهبردی است. اقتصاد ایران از این مسیر بهبود نمی‌یابد؛ بلکه راهکار اساسی بازگشت به آزادی اقتصادی است. این شامل آزادسازی واردات و صادرات، سپردن ارز به اختیار صادرکنندگان و ایجاد یک نظام ارزی تک‌نرخی است.

او تأکید کرد که آزادسازی قیمت‌ها بدون فراهم کردن زمینه برای آزادی اقتصادی نتیجه‌ای نخواهد داشت. ابتدا باید ساختار اقتصاد آزاد شود و بعد اصلاح قیمت‌ها دنبال شود. اما حتی اگر این تصمیمات گرفته شوند، باز هم بدون رضایت و هماهنگی ذی‌نفعان و نیز همراهی نیروهای اجرایی مستقل، موفقیتی حاصل نمی‌شود، چراکه به گفته او دولت از داشتن نیروی مستقل و توانمند برای اجرای این سیاست‌ها محروم شده است. مولوی درباره پیش‌بینی تورم اظهار داشت که تورم سالانه ۱۴۰۴ بیش از ۴۵ درصد خواهد بود و تورم نقطه‌به‌نقطه در پایان همان سال احتمالاً بالای ۵۵ درصد خواهد رسید. با تداوم روند فعلی، پیش‌بینی می‌شود تورم سالانه ۱۴۰۵ به حدود ۵۰ درصد برسد و نرخ نقطه‌ای نیز در پایان اسفند ۱۴۰۵ ممکن است در محدوده مشابه یا حتی بالاتر باشد.

درخصوص کسری بودجه، او هشدار داد که با ادامه این وضعیت، کسری بودجه می‌تواند تا اسفند سال آینده به ۶۰ درصد افزایش یابد. مولوی معتقد است دولت دیگر ابزار لازم برای کنترل این مشکل را ندارد؛ نه قدرت اجتماعی کافی وجود دارد، نه توان سیاسی یا ظرفیت اقتصادی مناسب برای انجام اصلاحات اساسی.

او با مرور تجربه سال‌های اخیر نتیجه گرفت که کسری بودجه به یک روند تثبیت‌شده تبدیل شده است و دیگر نمی‌توان انتظار تغییری ناگهانی داشت. روند موجود همچنان ادامه خواهد یافت.

چرا کارگر و کارفرما از حداقل حقوق رضایت ندارند؟

چالش تعیین حداقل حقوق در اقتصاد تورمی

با نزدیک شدن به زمان تعیین حداقل دستمزدها، دوباره بحث‌ها میان فعالین اقتصادی و سیاست‌گذاران در مورد سیاست حداقل دستمزد بالا می‌گیرد. سیاستی که اگرچه نسخه‌های موفق آن در دنیا در حال اجراست، با این حال نحوه اجرای آن در ایران از سویی نارضایتی کسب و کارها را به دنبال داشته است، و از سوی دیگر نتوانسته قدرت خرید مردم را حفظ و رضایت آنها را کسب کند. این در حالی است که راه حمایت از نیروی کار تمرکز دولت بر رقابت نرخ دستمزد با تورم نیست. بلکه حل کردن مشکل تورم و افزایش تولید ملی، کلید اصلی خروج از چرخه تورم و دستمزد است. حداقل حقوق، فقط یک عدد در قانون نیست. آینه‌ای است که میزان بلوغ سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی یک کشور را منعکس می‌کند. بحث حداقل حقوق و دستمزد، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در اقتصاد بازار کار است. از یک‌سو دولت‌ها حداقل حقوق را ابزاری برای حمایت از معیشت نیروی کار، کاهش فقر شاغلان و برقراری عدالت اجتماعی می‌دانند و از سوی دیگر، بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی آن را عاملی برای افزایش هزینه تولید، کاهش اشتغال و تضعیف رقابت‌پذیری معرفی می‌کنند.

به گزارش اقتصادآنلاین، این تعارض باعث شده است که تعیین حداقل حقوق، همواره به صحنه‌ای برای جدال میان دولت، کارگران و کارفرمایان تبدیل شود. در اقتصاد ایران، اهمیت این موضوع دوچندان است. تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، نااطمینانی‌های اقتصادی و رکود در بخش تولید باعث شده‌اند که حداقل حقوق، نه‌تنها یک متغیر اقتصادی، بلکه یک مسئله اجتماعی و حتی سیاسی تلقی شود. هر سال با نزدیک شدن به زمان تعیین دستمزد، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا حداقل حقوق باید متناسب با نرخ تورم افزایش یابد یا با توان بنگاه‌ها و شرایط بازار کار تنظیم شود؟ پاسخ به این پرسش ساده نیست و نیازمند نگاهی جامع به سازوکار بازار کار است.

حداقل حقوق در تقابل دولت و بازار کار

حداقل حقوق در تئوری اقتصادی، نوعی قیمت‌گذاری کف در بازار نیروی کار محسوب می‌شود. دولت با تعیین این کف قیمتی، مانع از آن می‌شود که دستمزد نیروی کار به سطحی پایین‌تر از حد معیشت سقوط کند. اما همان‌طور که در سایر بازارها نیز دیده می‌شود، هرگونه مداخله قیمتی می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. طرفداران افزایش حداقل حقوق استدلال می‌کنند که در شرایطی که قدرت چانه‌زنی کارگران پایین است، بازار آزاد به‌تنهایی قادر به تعیین دستمزد عادلانه نیست. به‌ویژه در اقتصادهایی با نرخ بالای بیکاری یا تورم بالا، عدم مداخله دولت می‌تواند به گسترش فقر شاغلان منجر شود. یعنی افرادی که با وجود داشتن شغل، توان تأمین حداقل نیازهای زندگی را ندارند. از این منظر، حداقل حقوق نه‌تنها یک سیاست اقتصادی، بلکه ابزاری برای حفظ انسجام اجتماعی است. در مقابل، منتقدان معتقدند که تعیین حداقل حقوق بدون توجه به بهره‌وری نیروی کار و شرایط بنگاه‌ها، می‌تواند آثار منفی بر اشتغال داشته باشد. بنگاه‌های کوچک و متوسط که حاشیه سود محدودی دارند، در مواجهه با افزایش دستمزد ممکن است ناچار به کاهش نیروی کار، افزایش قیمت محصولات یا حتی خروج از بازار شوند. نتیجه چنین فرآیندی می‌تواند افزایش بیکاری، گسترش اشتغال غیررسمی و کاهش سرمایه‌گذاری باشد. در ایران، این تضاد به‌طور خاص در شورای‌عالی کار نمود پیدا می‌کند. جایی که نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان هر سال بر سر درصد افزایش دستمزد چانه‌زنی می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد که افزایش حداقل حقوق در بسیاری از مواقع از نرخ تورم عقب می‌ماند و همین امر باعث کاهش مستمر قدرت خرید نیروی کار شده است. از سوی دیگر، بسیاری از کارفرمایان نیز اعلام می‌کنند که حتی همین افزایش‌ها نیز با توان مالی آنها همخوانی ندارد. نکته مهم آن است که بازار کار ایران، بازاری همگن نیست. شرایط یک بنگاه تولیدی کوچک در یک شهر محروم، با یک شرکت بزرگ در کلان‌شهرها تفاوت اساسی دارد. اعمال یک حداقل حقوق واحد برای همه این بنگاه‌ها، می‌تواند ناکارآمد باشد. به همین دلیل، بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که مسئله اصلی نه وجود یا عدم وجود حداقل حقوق، بلکه نحوه طراحی و اجرای آن است.

چگونه می‌توان هم از نیروی کار حمایت کرد و هم به بنگاه‌ها آسیب نزد؟

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که می‌توان میان حمایت از نیروی کار و پویایی بازار کار، تعادل ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین راهکارها، پیوند دادن افزایش حداقل حقوق با بهره‌وری نیروی کار است. در کشورهایی مانند آلمان، مذاکرات دستمزدی اغلب در سطح صنایع و بر اساس شرایط خاص هر بخش انجام می‌شود. این رویکرد باعث می‌شود که دستمزدها متناسب با توان واقعی بنگاه‌ها و سطح بهره‌وری تعیین شوند.

راهکار دوم، استفاده از سیاست‌های مکمل به‌جای اتکای صرف به افزایش حداقل حقوق است. برای مثال، در بسیاری از کشورهای اسکاندیناوی، دولت از طریق کاهش مالیات بر درآمد نیروی کار کم‌درآمد، پرداخت یارانه دستمزد به کارفرمایان یا تقویت نظام تأمین اجتماعی، از معیشت کارگران حمایت می‌کند. در این مدل، فشار کمتری به بنگاه‌ها وارد می‌شود و در عین حال، سطح رفاه نیروی کار افزایش می‌یابد. نمونه موفق دیگر که ایران نیز بسیار به آن نیاز دارد، نظام حداقل حقوق منطقه‌ای است. در کشورهایی مانند چین، حداقل دستمزد بر اساس سطح توسعه اقتصادی هر منطقه تعیین می‌شود. این سیاست به دولت اجازه می‌دهد که تفاوت‌های هزینه زندگی و توان تولیدی مناطق مختلف را در نظر بگیرد. اجرای چنین مدلی در ایران نیز می‌تواند از فشار بیش‌ازحد بر بنگاه‌های مناطق کم‌برخوردار بکاهد. همچنین، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی میان دولت، کارگران و کارفرمایان نقش کلیدی دارد. در کشورهایی که تشکل‌های کارگری و کارفرمایی قدرتمند هستند، تصمیم‌گیری درباره دستمزدها شفاف‌تر و مبتنی بر داده‌های واقعی انجام می‌شود. این امر از سیاسی شدن موضوع حداقل حقوق جلوگیری می‌کند و به افزایش اعتماد میان طرفین می‌انجامد. در نهایت، نباید از نقش کنترل تورم غافل شد. در اقتصادی با تورم بالا، هرگونه افزایش اسمی حداقل حقوق، در مدت کوتاهی اثر خود را از دست می‌دهد. همانطور که از نمودار زیر پیداست، نرخ تورم و رشد حداقل حقوق سال‌ها است که به دنبال یکدیگرند. در سال‌هایی که این نرخ افزایش دستمزد از تورم بالاتر بوده، باز هم اخبار و شواهد نشان می‌دهد نتوانسته قدرت خرید را حفظ کرده و رضایت مردم را به دست آورد. از سوی دیگر، در شرایطی هم که پایین‌تر از نرخ تورم بوده، فشار مضاعفی به سفره مردم وارد کرده است. بنابراین، پایدارترین راه حمایت از قدرت خرید نیروی کار، تمرکز بر تغییر نرخ دستمزدها نیست. بلکه ثبات‌بخشی به اقتصاد کلان، افزایش تولید ملی و مهار تورم است. موضوعی که فراتر از سیاست دستمزد، به اصلاحات ساختاری در سیاست‌های پولی و مالی نیاز دارد.

اصلاحیه

در آگهی نوبتی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دره شهر چاپ شده در روزنامه اتحاد ملت ، تاریخ چاپ ۰۴ / ۰۹ / ۱۴۰۴ و ۱۹ / ۰۹ / ۱۴۰۴ صحیح نبوده و اشتباه است.

لذا تاریخ چاپ نوبت اول ۱۰ / ۰۹ / ۱۴۰۴ و نوبت دوم ۲۵/ ۰۹/ ۱۴۰۴ صحیح است که بدین وسیله اصلاح می‌شود.

اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان دره شهر

کد ا-ی-۴۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوهپایه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۸۰۰۳۵۵۴ مورخ ۱۴۰۴.۰۹.۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوهپایه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی مالکیت آقای احمد جعفری والا به شناسنامه شماره ۱ کدملی ۱۲۹۱۸۹۴۱۸۷ صادره اصفهان فرزند هدایت اله در ششدانگ یک واحد قالیشویی صنعتی به مساحت۴۲۱۰.۳متر مربع در قسمتی از پلاک شماره۰ فرعی از ۶۵ اصلی واقع در ورزنه در کنار جنوب جاده آسفالته ورزنه – اژیه بخش ۲۱ حوزه ثبت ملک کوهپایه (خریداری از موضوع انتقال اجرایی شماره ۱۳۹۶،۰۳،۰۴– ۱۷۱۲۴۷دفترخانه اسنادرسمی ۸۶ اصفهان)محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی:۲۰۷۸۰۳۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴.۱۰.۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴.۱۰.۱۷

اصغر علی خانی کوپایی – رئیس ثبت اسنادو املاک

کد ا-ص-۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی متقاضیانی که اسناد عادی یا رسمی آنها در هیأت مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیروان مورد رسیدگی و هیأت رأی به صحت بیع و تصرفات آنها صادر نموده است جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز به شرح ذیل آگهی میگردد

۱– آقای کیقباد شفیعی فرزند خانجان در ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی بمساحت ۸۹ / ۵۲۳ مترمربع تحت پلاک ۴۳۴۹ فرعی از ۲۰۶ اصلی واقع در زنگوان روستای قلندر علیا نحوه مالکیت واگذاری بنیاد مستضعفان استان ایلام

لذا چنانچه اشخاص ذینفع به آراء صادره اعتراض دارند میتوانند ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار نوبت اول و در روستاها پس از الصاق در محل اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیروان تسلیم و رسید اخذنمایند معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد در صورتی که اعتراض در موعود قانونی واصل نگردد و با خواهد نمود. ضمناً معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند به نام متقاضیان را صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود

تاریخ انتشار نوبت اول : ۰۲ / ۱۰ / ۱۴۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۷ / ۱۰ / ۱۴۰۴

وحید فدوی یگانه

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیروان

کد ا-ی-۳۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در منطقه ثبت اسناد و املاک جنوب شرق اصفهان تصرفانه مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی دارند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این منطقه تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی طرح دعوا را به این منطقه ثبتی ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱ – برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۰۴۵۳ مورخ ۱۴.۰۸.۱۴۰۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محسن مرشدی به شناسنامه شماره ۳۶۶۲ کد ملی صادره فرزند حسینعلی در قسمتی از/ ششدانگ ک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۸۸۷.۲۸ متر مربع پلاک شماره ۱۰۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی و مع الواسطه از طرف عباس خوراسگانی که بموجب ۳۱۴۶۵ مورخ ۲۲.۱۰.۱۳۱۸ دفتر خانه ۲ اصفهان قسمتی از پلاک بنام ایشان انتقال گردیده است) محرز گردیده است .

۲ – برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۰۴۵۱ مورخ ۱۴.۰۸.۱۴۰۴ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محسن مرشدی به شناسنامه شماره ۳۶۶۲ کدملی صادره فرزند حسینعلی در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۸۱۸.۱۸ متر مربع پلاک شماره ۱۰۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی و مع الواسطه از طرف عباس خوراسگانی که بموجب ۳۱۴۶۵ مورخ ۲۲.۱۰.۱۳۱۸ دفتر خانه ۲ اصفهان قسمتی از پلاک بنام ایشان انتقال گردیده است) محرز گردیده است.

۳ – برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۰۴۳۳ مورخ ۱۴.۰۸.۱۴۰۴ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محسن مرشدی به شناسنامه شماره ۳۶۶۲ کدملی صادره فرزند حسینعلی در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی با درج اعیانی به مساحت ۸۴۱.۵۰ متر مربع پلاک شماره ۱۰۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی و مع الواسطه از طرف عباس خوراسگانی که بموجب ۳۱۴۶۵ مورخ ۲۲.۱۰.۱۳۱۸ دفتر خانه ۲ اصفهان قسمتی از پلاک بنام ایشان انتقال گردیده است) محرز گردیده است

۴ – برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۰۴۵۴ مورخ ۱۴.۰۸.۱۴۰۴ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محسن مرشدی به شناسنامه شماره ۳۶۶۲ کد ملی صادره فرزند حسینعلی در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۸۵۴.۵۱ متر مربع پلاک شماره ۱۰۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی و مع الواسطه از طرف عباس خوراسگانی که بموجب ۳۱۴۶۵ مورخ ۲۲.۱۰.۱۳۱۸ دفتر خانه ۲ اصفهان قسمتی از پلاک بنام ایشان انتقال گردیده است) محرز گردیده است .

۵ – برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۰۴۵۲ مورخ ۱۴.۰۸.۱۴۰۴ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محسن مرشدی به شناسنامه شماره ۳۶۶۲ کدملی صادره فرزند حسینعلی در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۸۵۶.۹۸ متر مربع پلاک شماره ۱۰۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی و مع الواسطه از طرف عباس خوراسگانی که بموجب ۳۱۴۶۵ مورخ ۲۲.۱۰.۱۳۱۸ دفتر خانه ۲ اصفهان قسمتی از پلاک بنام ایشان انتقال گردیده است محرز گردیده است.

–۶ برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۰۴۵۰ مورخ ۱۴.۰۸.۱۴۰۴ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محسن مرشدی به شناسنامه شماره ۳۶۶۲ کد ملی صادره فرزند حسینعلی در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۸۵۴.۳۱ متر مربع پلاک شماره ۱۰۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید انتقال عادی و مع الواسطه از طرف عباس خوراسگانی که بموجب ۳۱۴۶۵ مورخ ۲۲.۱۰.۱۳۱۸ دفتر خانه ۲ اصفهان قسمتی از پلاک بنام ایشان انتقال گردیده است) محرز گردیده است.

شناسه آگهی:۲۰۶۵۸۷۰

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۴.۰۹.۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴.۱۰.۰۲

حمیدرضاخسروی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جنوب شرق اصفهان

کد ا-ص-۱